

گروه سنتور نوازان  
سامک آقایی  
نشر استودیو گوشه

پیشنهاد این ماه موسیقی  
قرن ۲۱ پیشنهادی متفاوت  
است. انتشار مجموعه  
تصویری «زُبعد ما» از آن  
رویدادهای مهم در حیطه  
موسیقی اصل ایرانی بود،  
چرا که با عنوان بسیاری که  
امروزه بیش یا کم موبلیان  
موسیقی فکورانه است  
دیگر نشر آثار صوتی  
و موسیقی‌های سالم هم  
دارد به رونا تبدیل می‌شود.  
حال فرض کنید نشر یک  
DVD هم از اجرای  
زنده یک کنسرت چقدر  
مشکل است!!!

# زُبعد ما

گروه سنتور نوازان

SANTURNAVAZAN ENSEMBLE

BEYOND OUR PATH

An Experience in Persian Classical Music

سرپرست گروه «سامک آقایی»  
Santur Quintet | Art Director » Siamak Aghaei



مجموعه «بعد ما» بعد از DVD «چه یاد ما» (حسین عزیزاده و کیهان کلهر به همراه شجریان‌ها) دومین اثری است که با کیفیت DVD منتشر می‌شود. البته قبلاً آلبوم تصویری کنسرت‌ها با نام «پهلای ایران» نیز با کیفیت VCD منتشر شده بود. از طرفی دیگر تا پیش از نشر مجموعه «بعد ما» هیچ مرجع تخصصی جامع و مانع برای سنسورنواران وجود نداشته که جا جارد چنین اقداماتی برای شناساندن دیگر سازهای ملی نیز صورت گیرد.

با دیدن اولین تصاویر از این مجموعه این نکته از خاطرم گذشت که به چه شکل می‌شود پنج سنسور (نه خرک و یازده خرک) را با هم، همصدا کرد. کوک بیش از ۴۵۰ سیم برای آن‌هایی که تجربه نوازندگی دارند با کابوین شبیه است. از طرفی دیگر مپار و چیدمان نغمات مختلف و متغیر (آلتره) روی سنسورهای با کابوین متفاوت (سنسور می، کوک، دو کوک و ... ) کارهای بسیار دشوار و زمان‌بر است که به هیچ وسیله انجام نمی‌گیرد مگر تمرین و آزمایش بسیار دقیقاً همان شاخصه‌ای که اجرای گروه سنسورنواران را از فعالیت‌های تجربی و کارگاهی به کنسرت حرفه‌ای و تاثیرگذار تبدیل کرد.

رعایت نوانس از دیگر عواملی است که بر این دعوی مهم تأکید می‌کنند: نوانس (رعایت شدت و ضعف اصوات) امروزه دیگر به دست نوازندگان و به ویژه گروه نواران ایرانی، رو به فراموشی رفته و رعایت این پدیده توسط گروهی که فقط از سازهای مضاربی (آن هم سنسور) تشکیل شده است، نشان از ملامت، صبر و تحمل بسیار نوازندگان در این امر، شاید هم عدم چنین انگیزه و تحلیلی موجب شده است که تا کنون و در طول تاریخ هیچ گروه سنسورنوازی تأسیس نشود.

از دیگر گفتنی‌های این مجموعه استفاده از سنسورهای مختلف است که باعث شده به رغم یکپارختی تمرین صوتی و جنس صدای گروه (سنسورنوعی) گشتاد دانه صوتی (وسعت نغمگی) بالا برود و توالی حرکت از منطقه صوتی بم به زیر و بالعمق موجب شده است تا گوش مخاطب خشک‌شده نوازنده البته نباید از حلقه جلوه‌های صوتی گوناگون در تنوع و جذابیت تالشی کسرت نیز به سادگی گذشت. به کارگیری تکنیک‌های اسکاتو (قطع) و با قرآز دادن انگشت روی سیم، خرک، شیطاک و ... نوازندگان سعی در تولید اصوات متنوع در عین حال سالم دارند که همه این تلاش‌ها ناشی از درک و دریافت درست آهنگسازان سنسورنوازی گروه از پدیده پیچیده اجرای یک موسیقی اصیل و در عین حال مدرن است.

سخن از اصالت و مدرنیته به میان آمد پس بد نمی‌دانم که به نوع وابستگی این اثر به ردیف موسیقی ایرانی اشاره کرده امروزه معمولاً آثاری که در آن سازهای ایرانی نقش اصلی را دارد یا به شدت و با نصب شبیه به موسیقی دوره قاجاریه (ردیف دستگاهی) است یا به طور کلی از ردیف که از اصلی‌ترین کارگان‌های (ریزتوار) موسیقی ایران می‌باشد جدا هستند. با این حال متولیان مجموعه

مذکور علاوه بر نوآوری‌های بسیار به ریشه‌ها و اصالت‌ها نیز وفادار مانده‌اند. به عنوان نمونه در خلق ردیف‌ها (جملات) هیچ نشانی از توالی گوشه‌های موزیک، قالب‌های متریک (چهار مضرب و رنگ) و قالب‌های ریتمیک (کرشمه، بسته نگار و ... ) نمی‌باشد و اصلاً هیچ نشانی از ملودی‌های ردیف و نوع ترتیب و بسط ملودی‌های ردیف نمی‌باشد و این در حالی است که با شنیدن یک قطعه از این مجموعه می‌توان به اعتقاد و تجربه ردیف‌نوازی اعضا گروه سنسورنواران پی برد.

دانستن این نکته که قطعات این مجموعه از قبل آوانگاری (نت‌نویسی) می‌شد و به جلسه تمرین راه می‌یافت با قطعات در حین تمرین‌ها، بداهه‌نوازی‌ها شکل می‌گرفت، امری نامعلوم است، اما نوع اجرای گروه و حفظ کردن نزدیک به ۶۰ دقیقه موسیقی چند صدایی توسط نوازندگان نشان از اعتقاد و رضایت نوازندگان نسبت به عمل آهنگسازان است و گویی آن رابطه جبری و به دور از انعطافی که در بعضی از گروه‌های ایرانی امروز داریم در این جمع وجود نداشته است و دلیل این موضوع را باید در هم سال بودن نوازندگان و البته هم سطح بودن آن‌ها دانست.

با کمی دقت در طول این فیلم موسیقایی در می‌یابید که اجرای هیچ یک از ملودی‌ها نسبت به دیگری ساده‌تر نیست و خط ملودی‌هایی که برای سنسور باس و لاکوک و ... نوشته شده است به یک اندازه سهل یا دشوار است. به عبارت ساده هر یک از این پنج نوازنده در اجرای این کسرت یک پنجم از زحمت را بر دوش می‌کشد و اصطلاح سپاه لشکر که بیشتر از هنر سینما امروزه در گروه‌های موسیقی رواج پیدا کرده است در گروه سنسور نواران به هیچ وجه به چشم نمی‌آید.

تکنیک، سرعت و قدرت به همراه حفظ سنسورنوع شخصی و گروهی و البته حفظ نوانس، درک متقابل از حس و حال دیگر نوازندگان در حین اجرا، وجود یک اندیشه و شاید حتی انگیزه مشترک و به طور کلی هر آنچه به گروهی تر بودن این موسیقی کمک می‌کند در میان این پنج نوازنده جوان قرار باز است. تسلط کافی بر کل سیم‌ها و خواستگاه مجموعه، شناخت کافی از پدیده گروه نوازی و توانایی اداره صحنه و مخاطب و دانستن معیارهای اجرای صحنه‌ای موسیقی از دیگر شاخصه‌های اعضاء «سنسورنواران» است که در این میان نباید از تجربیات صحنه‌ای فراوان سیامک آقایی و انتقال آن به دیگر نوازندگان مثال زد.

سیامک آقایی (سرپرست گروه) در مورد برخی از اهداف و ویژگی‌های گروه سنسورنواران می‌نویسد:

■ «شناخت، برداشت و تلفیق متنحیی از قابلیت‌های گوناگون ساز سنسور و تلاش برای ترکیب مناسب الگوها، فرم‌ها و سبک‌های منطق با مباحث اجرائی و تکنیکی امروزی این ساز»

■ تلاش برای دست‌یابی به نوعی سنسورنوع مستقل و کسرت رنگ‌آمیزی صوتی در عرصه هنر گروه نوازی»

■ کسرتی قابلیت‌های سازی-صوتی و ظرایف اجرائی از قبیل تنوع در دینامیک و نوانس‌ها؛

■ افزایش دقت کوک و فواصل استفاده از پهنه صوتی در حدود شش اکتاو، شناخت موانع اجرائی و فیزیکی ساز سنسور و تلاش در جهت بهبود آن‌ها.

■ ...

بعد از همه این توضیحات که این مجموعه را مستحق معرفی و پیشنهاد به این شماره می‌کند و غنی از حضور شعر، شاعر و مجری شعر در موسیقی سنسورنواران اشاره کرد. در دو شعر انتخاب شده از بیدل هملوی و امیر احمدی آریان، همان نگرش نو و دیگرگون مشاهده می‌شود. غزلی روان و غنی از حضرت بیدل (شاخص‌ترین شاعر سبک هدیه) که نام این مجموعه نیز از آن گرفته شده است، نشان از دیگر اندیشی و البته دانش ادبی سیامک آقایی و اعضاء گروهش دارد.

زهد ما نه غزل نمی‌قصید می‌ماند ز خامه‌ها دوسه اشک چنیده می‌ماند

در این ضمن به وحدت شکسته‌های دامن که می‌روی تو و رنگ پدیده می‌ماند

دریاب تلفیق شعر و موسیقی مطلبی یادداشت نمی‌کنم و به ذکر این نکته بسنده می‌کنم که در این نوع تلفیق شعر و نظر شاعر، موهبتی از جریان می‌آیند و مسیر خود را ادامه می‌دهد و حتی شعر و اشعار با حضورشان به روان‌تر شدن انتقال اندیشه آهنگساز به مخاطب کمک می‌کنند.

اما مجری شعرا (چرا از عبارت مجری شعر استفاده شد؟) از آن جایی که مجری شعر خواننده نیست، اما گو می‌خواند، و در واقع تنها اشعار به همراه نغمات تراگو می‌شود. اتفاقی که موسیقی اصیل ایرانی به شدت به آن نیاز دارد، همین حذف غلط مصطلح خواننده سالاری است. به بیان روان سیامک آقایی با رمززمه کردن اشعار بدون نیاز به خواننده (با توجه به معنای عرفی) شعر را بیان می‌کند و مثلت شاعر و آهنگساز بدل می‌گردد که این موضوع می‌تواند نیروی مضاعفی برای برون رفت هرچه سریع‌تر از تکرار نکراری خواننده سالاری باشد.

ز درد یاس ندانم کجا کنم فریاد

قصص شکسته‌ام و آسینان نماده به یاد

یکی دیگر از پیشنهاداتی این صحنه (پیشنهاد ماه) مطالعه دقیق مطالبی است که در دفترچه‌ها که همراه مجموعه «بعد ما» منتشر شده، می‌باشد. دانستن این مطالب برای شنوندگان حرفه‌ای موسیقی حرفه‌ای لازم نمی‌آید.

در خانمه باید به فیلم برداری، صدابرداری صحنه‌ای، پالایش صوتی، صداگذاری، تدوین، طراحی و ... اشاره کنم که همه و همه از اثر، اثری شنیدنی و ماندنی ساخته‌اند.

پایان کلام. مجموعه «بعد ما» اثری دیگرگون و زاینده نهدن موسیقیدانی دیگرگون است و خاطره شنیدنی برای آن‌هایی که از موسیقی فکروانه حمایت می‌کنند و بیکسر موسیقی اصیل و معاصر ایرانی هستند به نیکی می‌ماند.